

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: محمد رحیم افضلی

۱۵ جولای ۲۰۱۱

## پاکستان

### عمق ستراتیژی منطقه نی انگلیسها در انتقام از

## افغانستان

۴

#### پشتونها از کابل تا اسلام آباد!

واقعیت سه اصل مهم مملکتی و حکومتی هر يك قدرت، سیاست و اقتصاد، متناسب به میکانیزم اقوام و قبایل چهارگانه پشتونها، بلوچها، سندیهها، پنجابیهها و هکذا ترکیب ساختاری آنها در رابطه با تشکیلات اندرونی پاکستان طوری برنامه ریزی شده است که تمام اقوام و قبایل موجود قبل از اینکه باور به نام پاکستان داشته باشند به ساختار های قومی و قبایلی مربوط به خودشان می اندیشند و پا فشاری می کنند!

بی تردید که پافشاری و اعتقاد به ظرفیت های قومی و نژادی ریشه در فرهنگ گره خورده به تاریخ و نقشه های دراز مدت انگلیس ها داشته و دارد تا دست آنها را در قضایا بازتر کرده باشد. استفاده از ظرفیت های موجود فی مابین اقوام در راه رسیدن به مطالبات شان، انگلیسها را کمک نموده و می نماید!

ترکیب حضور پشتونها در قدرت نظامی و سیاسی در مقایسه با ترکیب حضور نظامی و استخباراتی پنجابی ها و استفاده آنها در رابطه با ساختار های اردو و ادارات خیلی نزدیک تر است تا به حضور سندی ها و بلوچ ها!

در حالی که حضور اقتصادی و تجاری سندی ها در مقایسه به حضور پشتونها و پنجابی ها قوی تر است .

اما بلوچ ها عملاً از هر نوع امتیاز سیاسی، نظامی، اقتصادی و حتی اجتماعی دور داشته شده اند !

جالب تر اینکه يك قشر و طائفه را به نام نجس می شناسند که فوق العاده قابل تفکر است!

بدون شك که تفاوت ناشی از ساختار های فوق الذکر بستر ساز بحرانهای متناسب به شرایط خاص اقوام و قبایل ساکن در پاکستان و باعث تشدید عصبیت های قومی و قبایلی آن سامان می گردد! مثلاً:

بحران ناشی از حضور نیروهائی هم چون القاعده، طالب و افراط کاری مسلمانان تندرو و هکذا تروریسم و نیروهای انتحاری متناسب به فعالیت های اعتقادی در قلمرو پشتونهای پشتونستان و زیرستان و سوات به ثمر نشست و می نشیند که با همسوئی سایر تندرو های مسلمان از کشمیر تا اسلام آباد، کابل و هر جای دیگر من جمله عربها و پشتونهای پاکستانی تندرو از کابل تا اسلام آباد بستر داشته و بدرقه می شوند!

درحالیکه بحران ناشی از حضور باندهای مافیائی مواد مخدر توام با تروریسم متناسب به شبکه مافیائی از طریق بلوچ ها به ثمر می نشیند که در زاویه دیگر از پاکستان، افغانستان و ایران جریان دارد!

بدون شك که میزان آسیب پذیری ناشی از حضور القاعده در محدوده افغانستان مساوی به میزان آسیب پذیری ایران در رابطه با مواد مخدر توسط بلوچ هاست!

به همین ترتیب بحران مرتبط با شبکه های اقتصادی و اطلاعاتی در رابطه با معادلات سیاسی اطلاعاتی پاکستان حول محور سندی ها و پنجابی ها اثر گذارتر است!

به هر صورت ساختار تشکیلاتی حاکم بر پاکستان يك سیستم پیچیده و مافیائی است که متناسب به موقعیت سیاسی، قومی، نژادی، زبانی، جغرافیائی و سمتی اقوام ساکن در پاکستان تدارك دیده شده است .

واقعیت تشکیل پاکستان به عنوان کشور اسلامی نشان می دهد که طراحان و برنامه ریزان پشت پرده آن از اسلام به عنوان يك نام و باور بدون فرهنگ و برنامه استفاده کرده و هنوز هم می کند !

بالتر از آن انتخاب زبان اردو به عنوان زبان رسمی پاکستان بسیار حساب شده صورت گرفته است که نه تنها پیوند با زبان اسلام و اعتقادات مردم مسلمان آن سامان ندارد که خود عملاً نوعی اسلام زدائی است زیرا فاقد بار فرهنگی و علمی می باشد.

بدون شك که انتخاب زبان اردو برای مسلمانان پاکستانی در راستای اسلام زدائی و تشدید اولویت های ساختاری برخاسته از فرهنگ سنتی و بومی قبایل چهارگانه پشتونها، بلوچها، سندپها و پنجابی ها به جای فرهنگ اسلامی انتخاب حساب شده است! به عبارت روشن و ساده اسلام بومی!

به راستی اسلامی که توسط افرادی چون محمد علی جنا و مسلم لیگ و مردمی این چنینی که در پاره ای از حل منازعات فی مابین خودشان قبل از اینکه به اسلام و قوانین اسلامی رجوع نموده، بسنده کنند به قاعده های قبایلی و بومی خودشان بها داده و عمل می کنند، بهتر از این نمی باشد!

آنهايکه فیصله های پر خاسته از سنت بومی و قبایلی را در حوزه عملیاتی شان از کابل تا اسلام آباد نسبت به اجرای سایر برنامه ها بها داده و عمل می کنند، چنانچه در جریان تقسیم قدرت پس از پیروزی مجاهدین بین سایر اقوام مثل تاجیک، ازبک هزاره، ایماق، حتی قزل باش تشدید گردید چیزی جز خدمت گذاری به انگلیسها نبوده و نیست!

تأکید بر فیصله هائی به نام قومی و یا قبایلی مثل پشتونوالی و یا هر چیز دیگر در عوض فیصله های اسلامی در بین اقوام من جمله پشتونها از کابل تا اسلام آباد بستر اجرائی داشته و دارد که کابل و اسلام آباد را متاثر می سازد!

عدم موفقیت دولت های حاکم در دو طرف دیورند بهترین دلیل و گواه ادعای ماست! از آنجا که انگلیسها توان مقابله با ملت بزرگ افغانستان و پاکستان را در قلمرو بزرگ منطقه نداشته و ندارد بناءً فی مابین پشتون های پاکستان و افغانستان علاوه بر نفاق افگنی فرهنگ غلط بومی گری و قبایلی را تشدید نموده تا با استفاده از نفاق آنها کمال استفاده را نموده و با استفاده جوئی از روحیه قبایلی و بومی گری آنها رشد فرهنگ اسلامی آنها را منتفی نموده و زمینه رهبری آنها را در هر دو سوی دیورند در دست داشته باشند!

این است که گردانندگان پشت پرده پاکستان از اسلام بدون برنامه و فرهنگ، همان اندازه استفاده و بهره برداری می کنند که از مجموعه اقوام و قبایل در رابطه با ساختار های بومی و سنتی خودشان که سر نخ آن ریشه در طرح و برنامه سیاست انگلیسها داشته و دارد، استفاده می کنند!

اگر غیر از این بود انگلیسها در پاسخ به دولت افغانستان آن هم پس از نه سال در مارچ ۱۹۵۶ نمی نوشت که (پاکستان همان قدرت را اعمال می کند که قبلاً بریتانیا اعمال می کرد!)<sup>(۱)</sup>

واقعیت امر این است که انگلیسها پس از تشکیل پاکستان تمام معاملات پنهانی و استخباراتی پشت پرده ای را که طی صد سال حکومت بر هند کمپنی شرقی و با بعضی امیران کابل و سران پشتونها در جنوب و شرق و جاهای دیگر افغانستان داشتند عملاً قطع و در عوض در خدمت تشکیلات مربوط به پاکستان و سران پشتون در داخل پاکستان وصل نمودند! در واقع بخت آن عده کسانی که از این طریق می خوردند و می گفتند و شف بالا می زدند و کلاه کج می نهادند، برگشت .

جالب است که قدرت در دو طرف دیورند اکثراً دست پشتونها بوده اما رابطه اسلام آباد کابل همواره بحرانی و تیره بوده است!

وقتی که انگلیسها عملاً پاکستان را مورد حمایت همه جانبه قرار داد پاکستان نیز زمینه های مفید و مثبت همکاری کشور های اسلامی را در رابطه با افغانستان قطع و در عوض خود جایگزین آن گردید!

پاکستانی ها به تبعیت از سیاست انگلیس از سال ۱۹۵۰ الی ۱۹۷۰ با استفاده از نفوذ انگلیس و امریکا از سرمایه گذاری امریکا در رابطه با اردوی افغانستان جلوگیری نمود (چیزی که بعد از شکست شوروی متوفی انحلالش را توسط اجیرانش اعلام نمود!)<sup>(۲)</sup> مضافاً در بی تفاوت نمودن کشورهای اسلامی نسبت به افغانستان نقش تعیین کننده داشت چنانچه در بین دوازده کشور کمک کننده جهان هر يك امریکا، شوروی، انگلیس، چین، جاپان، المان، چکسلواکیا، یوگو سلووا، فرانسه، هند، بانک آسیائی، بانک جهانی، يك کشور اسلامی دیده نمی شد! ما حاصل ارتباط پاکستان با انگلیسی ها ساختار های قومی و یا قبیله ئی پشتونها را از کابل تا اسلام آباد به نبرد فرا خواند!

رویاروینی که اعضای مرتبط با تشکیلات شوم انگلیسی ها را قوی و افغانستان را ضعیف و پشتونها را استحاله نموده و از دور ساقط نمودند تا از وجود آنها سوء استفاده نماید!

جالب است و جای سؤال؟ که چرا اکثراً پشتونها [۲] با وجود داشتن حساسیت های ضد اجنبی، قدرت سیاسی، نظامی، اقتصادی و توانمندی های لازم نسبت به سایر اقوام در خدمت انگلیسها قرار گرفته و یا راه گشای آنها شده و می شوند!

جالب تر از جالب آیا عجیب نیست که انگلیسها و یا هر بیگانه دیگر با استخدام آنها در افغانستان و پاکستان حادثه سازی نموده و می نمایند!

کاری که يك بار دیگر پس از شکست شوروی در رابطه با ما و کشور ما کردند و هم اکنون ادامه دارد! کار به جائی رسید که نام ما ( امارت!) پرچم ما(سفید!) فرهنگ ما(حذف!) زبان فارسی ما (پشتو و اردو!) و زبان پشتوی ما (انگلیسی!) تاریخ ما (سیاه!) خانه ما (ویران!) لباس ما( تغییر!) در يك جمله کفش و کلاه چادر و دستار ما را عوض کردند!<sup>(۳)</sup>

جالب تر از جالب که اکثراً همین پشتونها بوده و است که بنای مخالفت علیه اجنبی را گذاشته و می گذارند!

واقعیت این است که انگلیسها پس از شکست در افغانستان نسبت به افغانها عصبی بوده و است! بناءً در پی فرصت استفاده از موقعیت های لازم بوده تا انتقام شکست شان را از افغانها بستانند!

انگلیسها در انتقام گرفتن از دشمنان شان همانند شتر کینه توز و انتقام جو هستند چنانچه يك تن از جنرال های انگلیسی پس از هزار سال گذشت زمان با چکمه های آهنین خود بالای قبر سلطان صلاح الدین ایوبی می رود تا کینه های ناشی از شکست شان را از مسلمانان بر ملا کند!

به خاطر دارم روزی يك دیپلمات آگاه در مسایل امنیتی افغان برایم گفت: در جریان آمدن نیروهای جامعه جهانی [۲] تپه مرنجان مرکز استقرار نیرو های انگلیسی گردید! جنرال افغانی همتای انگلیسی خود را بدرقه می نمود. در جریان اجرای مأموریت، جنرال انگلیسی برای همتای افغانی می گوید: پدران شما در همین جا پدران ما را کشتند تا از کشور شما خارج شوند اما اینک شما خود با دستهای تان خیمه های ما را نصب می کنید!

به هر صورت تلاش مسلمانان پاکستان در روشنائی جهاد و مقاومت افغانهای مجاهد علیه انگلیسها که منجر به شکست انگلیسها گردید باعث گردید که آنها برنامه تشکیل پاکستان اسلامی را روی دست گرفته برنامه ریزی نمایند!

به عبارت دیگر می توان گفت که انگلیسهای مجبور شده به اخراج از پاکستان اسلامی اندیشه ضربه زدن به افغانستان اسلامی را از بدو پیدایش پاکستان اسلامی طرح و برنامه ریزی نمودند! تا انتقام خود را از اسلام و افغانها بستانند! از آن جایی که انگلیس ها تمام ساختارهای قومی و قبیله ای ساکنین پاکستان و هندوستان و هم حساسیت مردم افغانستان را در رابطه با اسلام درک می نمودند. بناءً از وجود مسلم ليك و میکانیزم فعالیت های سیاسی آن در مناطق مسلمان نشین و تشدید اختلافات محمد علی جنا با نهرودر کنگره هند و چگونگی انتقال محمد علی جنا به رهبری مسلم ليك که نهایتاً تبدیل به نخستین قاعد اعظم پاکستان گردید کمال بهره برداری را نمود.

ادامه دارد

### پاورقی ها:

- (۱)- جهاد افغانستان و جنگ سرد قدرتها- اثر- ابراهیم ورسچی
- (۲)- سخنرانی جنرال حمیدگل در جمع نیروهای نظامی پاکستان
- (۳)- اشاره به حکومت طالبان به امارت ملا عمر

### یادداشت:

[۱]- نباید فراموش نمود که وقتی طبقه حاکمه ملیت پشتون به میهن فروشی دست می یازد، نخست این کار را از موضع طبقه حاکمه انجام می دهد نه به نمایندگی از تمام ملیت پشتون؛ در ثانی طبقه حاکمه ملیت پشتون به هر میهن فروشی که دست یازیده است، آن عمل را به نمایندگی از تمام طبقه حاکم در کشور اعم از پشتون، تاجک، ازبک، هزاره و ... انجام داده و تا اکنون نیز بر همان منوال عمل می نماید.

[۲] آنهایی را که نویسنده "جامعه جهانی" نام می گذارد، پورتال از همان ابتداء علیه چنین وجه تسمیه ای قاطعانه موضع گرفته، عکس آن تمام نیروهای را که به شکلی از اشکال در امور افغانستان مداخله نظامی دارند، نیروهای اشغالگر امپریالیستی می داند.

اداره پورتال AA-AA